

## بررسی تحول چشم‌انداز کشاورزی استان مازندران در دوره پهلوی اول

مهرداد دیوسالار\* - دانش آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران  
محمد تقی رهنمایی - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
محمدحسین فرجیهای قزوینی - استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران  
محمد محمودپور - استادیار گروه جغرافیا، بنیاد دائره المعارف اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۹

### چکیده

زیست و معیشت مردم مازندران که در بازه زمانی مورد مطالعه یعنی دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰)، محدودی جغرافیای استان‌های مازندران و گلستان کنونی از منتهی‌الیه غرب رامسر تا منتهی‌الیه شرق مراوه تپه را در بر می‌گرفت؛ در طول تاریخ به سبب تنوع شرایط اقلیمی و جغرافیای طبیعی در سه واحد جغرافیایی جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی و بر مبنای اقتصاد کشاورزی- دامپروری استوار بوده است. پیش از پهلوی اول چشم‌انداز جغرافیایی زیست‌گاه‌های مازندران حالت ایستایی داشت ولی با سیاست‌های ویژه پهلوی اول در مسیر نوسازی ایران، تحولات شگرفی در چشم‌انداز جغرافیایی مازندران ایجاد شد. پژوهش حاضر برآن است تا تغییرات و تحولات ایجاد شده در جغرافیای کشاورزی مازندران در دوره پهلوی اول را از منظر مکتب چشم‌انداز و با روش کیفی تحلیل تاریخی مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار دهد. مکتب چشم‌انداز، تغییرات چهره طبیعت در دوره‌های تاریخی در یک جغرافیای مشخص را بر اساس سیاست‌گذاری‌های اعمال‌شده مورد بررسی قرار می‌دهد. در اثر سیاست نوسازی، برنامه‌های اصلاحی بسیاری در بخش کشاورزی استان مازندران اجرایی شد. با مجموع اقدامات پهلوی اول به منظور مکانیزه کردن کشاورزی مازندران و تجاری سازی و صنعتی سازی محصولات کشاورزی، چشم‌انداز کشاورزی مازندران نیز متحول شد. دولت مدرن با تسخیر طبیعت و تسلط بر آن بوسیله خشکاندن باتلاق‌ها و زه‌کشی، ساخت سد و پل و مهار طغیان آب و تسلط بر منابع آبی، اراضی بسیاری را به مجموع اراضی کشاورزی مازندران افزود. در نتیجه چشم‌انداز زمین‌های باز گسترده که تا پیش از آن تنها چشم‌انداز کشاورزی مازندران بود، در سطح وسیعی گسترش یافت. اراضی جدیدی نیز در نواحی جلگه‌ای و کوهپایه‌ای بر روی دشت‌ها و تپه‌ها برای کشت و پرورش محصولات جدید اختصاص داده شد و چشم‌اندازهای جدید باغی و تپه‌ای را ایجاد کرد.

واژه‌های کلیدی: مازندران، پهلوی اول، چشم‌انداز کشاورزی، چشم‌انداز زمین باز، چشم‌انداز باغی، چشم‌انداز تپه‌ای

#### نحوه استناد به مقاله:

دیوسالار، مهرداد، رهنمایی، محمد تقی، فرجیهای قزوینی، محمد حسین و محمودپور، محمد. (۱۳۹۹). بررسی تحول چشم‌انداز کشاورزی استان مازندران در دوره پهلوی اول. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۲(۱۱۵)، ۴۳۱-۴۴۸.

[http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article\\_672849.html](http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672849.html)

## مقدمه

از نیمه دوم قرن بیست میلادی، مکاتب نظری متنوعی در نوع نگرش به جغرافیای تاریخی به وجود آمده است. فصل مشترک بیشتر مکاتب جدید جغرافیای تاریخی توصیف دگرگونی‌های فیزیکی در زمین و بررسی مفاهیم جغرافیایی به معنای متداول آن نیست، بلکه درک دگرگونی‌های تاریخی در بستر مکانی و بررسی رابطه بین مکان و زمان رویداد با فعالیت‌های انسانی و تاثیر آن در فرهنگ، زیست و معیشت جامعه انسانی است.

یکی از حوزه‌های مطالعاتی نسبتاً جدید در جغرافیای تاریخی، مکتب چشم‌انداز است. دامنه مطالعات جغرافیای تاریخی در این مکتب بسیار گسترده است. مطالعه مرزها، مطالعه روند حرکت‌های جمعیتی مثل مهاجرت‌های بزرگ، مطالعه روند تحولات اقتصادی و معیشتی و بررسی جریان تولید، مطالعه راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی، مطالعه محل وقوع جنگ‌ها و مناطقی مهم نظامی مانند دره‌ها، گذرگاه‌های طبیعی، قلعه‌ها و برج‌ها، مطالعه مکان‌های مهم اقتصادی و سیاسی و دینی در گذشته، مطالعه اراضی و مناطق تحت کنترل و تسلط انسان‌ها، تسخیر طبیعت و غیره از جمله مواردی هستند که در مدل چشم‌انداز مورد بررسی قرار می‌گیرند. مطالعه جغرافیای تاریخی بر اساس مکتب چشم‌انداز، دارای مولفه‌های چهارگانه‌ای است که اولین مولفه و عنصر سازنده آن، انسان است. مکان، زمان و نوع فعالیت انسانی از دیگر مولفه‌های مکتب چشم‌انداز به‌شمار می‌آیند. ازینرو براساس جغرافیای تاریخی مکتب چشم‌انداز می‌توان، تغییرات ایجاد شده در حوزه‌های گوناگون را بنا بر سیاست‌گذاری‌های اعمال شده توسط مجموعه انسانی و در دوره‌های تاریخی در یک جغرافیای مشخص، مورد بررسی قرار داد. امروزه مطالعه مکتب چشم‌انداز دامنه گسترده‌ای را در مجامع علمی مربوط به جغرافیای انسانی به خود اختصاص داده و رفته رفته این دامنه را به مطالعات جغرافیای تاریخی نیز گسترش داده است. در این مکتب بررسی زمین و نوع بهره برداری آن توسط انسان در ادوار تاریخی مورد توجه چشمگیری قرار گرفته است. از میان انواع بررسی‌های جغرافیای تاریخی بر اساس مدل چشم‌انداز، مطالعه چشم‌انداز کشاورزی از این جمله است. چراکه از یک طرف، در اکثر جوامع پیشاصنعتی، کشاورزی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های انسانی را تشکیل می‌داد. تا پیش از اواسط قرن بیستم، اکثریت جمعیت جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. به طوری که حتی در اروپا نیز در آغاز قرن بیست و یکم، تقریباً بیش از یک چهارم جمعیت اروپایی "روستایی" در نظر گرفته شده و اراضی کشاورزی کمتر از نیمی از سطح زمین اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد. از طرفی دیگر، تغییرات در کشاورزی در بخش‌های بزرگی از چشم‌انداز جغرافیایی تاثیر می‌گذارد (Renes, 2010: 74).

نتیجه کشاورزی به‌عنوان عمده فعالیت انسان‌ها در طول تاریخ، چشم‌اندازهای منحصر به فردی را در طبیعت ایجاد کرده است. مناطق جغرافیایی بنا بر توان‌های محیطی ویژه خود، در طول تاریخ به‌سبب توجه یا عدم توجه دستگاه حاکم دستخوش تغییراتی می‌شوند. مازندران با دارا بودن شرایط اقلیمی و محیطی و تاریخ و فرهنگ ویژه، بخشی از یک منطقه بزرگ است که بنا بر شرایط جغرافیایی خاص، کشاورزی نقش مهمی را در سبک و شیوه زیست و معیشت مردم این منطقه برعهده داشت. از منظر مکتب چشم‌انداز، از دوران باستان تا آغاز روند نوسازی، تغییرات قابل توجهی در چشم‌انداز کشاورزی مازندران ایجاد نشد. حتی در دوره صفوی که به اعتبار اینکه مادر شاه عباس، دختر میرعبده‌الله مرعشی، از اهالی خرگوران - در دوره صفوی به اشرف البلاد تغییر نام داد و امروزه تحت عنوان بهشهر شناخته می‌شود - بود، مورد توجه قرار گرفت ولی به علت عدم وجود ابزار و دیدگاه‌های جدید، تحولی در چشم‌انداز جغرافیایی و چشم‌انداز کشاورزی مازندران ایجاد نشد. چراکه صفویان تنها به نواحی شرقی مازندران به‌ویژه بهشهر به‌عنوان اقامتگاه تابستانی توجه داشتند. در نتیجه به‌صورت فراگیر و منطقه‌ای به مازندران در این دوره توجه نشد. در دوران متاخر و در ابتدای حکومت قاجار، مازندران مورد عنایت این خاندان حکومتگر بود ولی در طول دوره قاجار نیز کمتر بدان پرداخته می‌شد و به منطقه‌ای کم‌اهمیت برای تبعید مخالفان بدل شد. حتی در نوسازی ناصری نیز جایگاهی نداشت و در چشم‌انداز جغرافیایی مازندران تغییر شایان توجهی ایجاد نشد. ولی با روی کار آمدن پهلوی اول و طی سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی رضاشاهی در مسیر نوسازی ایران، بسیار مورد توجه قرار گرفت و تغییرات چشمگیری را به خود دید.

بر اساس سیاست‌های پهلوی اول، اقداماتی از قبیل انتقال راه آهن تهران - جنوب به شرق مازندران، برقراری ارتباط زمینی مازندران به پایتخت و نواحی مرکزی ایران با تکمیل جاده فیروزکوه، تکمیل جاده ساری به سمنان، احداث جاده چالوس به کرج و جاده امل به تهران و ساخت تاسیسات توریستی در رامسر، چالوس و غیره، ایجاد صنایع وابسته به کشاورزی مانند صنایع نساجی قائمشهر و چیت بهشهر، تبدیل کشاورزی سنتی به مکانیزه برای تغییر در چشم‌انداز کشاورزی مازندران مانند توسعه کشت پنبه، کشت توتون و صنایع وابسته به آن، منظر جغرافیایی مازندران را که در طول روزگاران دراز، تحول اندکی به خود دیده بود، به‌شدت

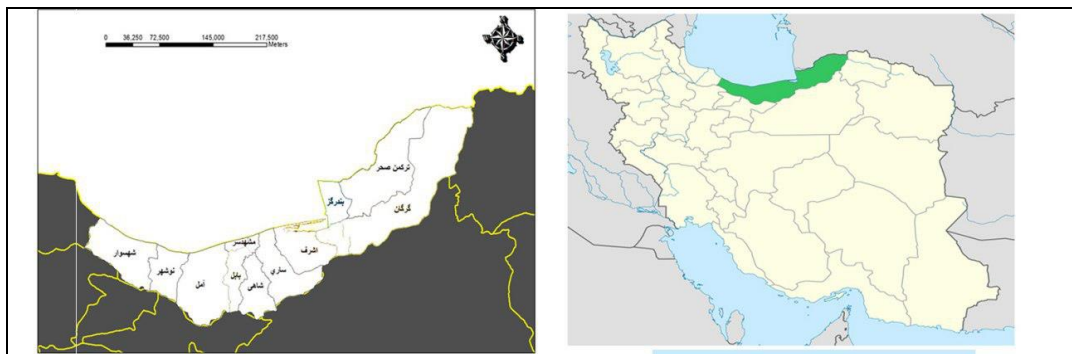
دگرگون ساخت. در نتیجه این اقدامات و سیاست‌ها، مازندران از منظر کشاورزی به مرکز کشت و تولید غلات، مرکبات، پنبه و سایر محصولات تبدیل شد. با احداث راه‌ها محصولات مازندران در طی یک روند تجاری‌سازی، به بازارهای پایتخت و دیگر نقاط ایران منتقل شدند. به عبارتی دیگر، چشم‌انداز کشاورزی مازندران از دوران باستان تا دوره نوسازی، حالت ایستایی داشت ولی از دوره پهلوی اول، که رضاشاه بر آن شد تا پایتخت و سایر نقاط ایران را از نعمت‌های مازندران بهره‌مند کند؛ تحولاتی در چهره و چشم انداز کشاورزی مازندران بوجود آمد. مقاله حاضر بر آن است تا تحول چشم‌انداز کشاورزی مازندران را براساس اقدامات رضاشاه در قالب فرآیند نوسازی ایران مورد بررسی قرار دهد.

## روش پژوهش

این مقاله به شیوه تاریخی و تحلیلی متداول در علوم انسانی تنظیم شده است. در این شیوه اطلاعات به شکل اسنادی و با رجوع به منابع و مأخذ، فیش‌برداری و گردآوری شده و سپس اطلاعات به دست آمده بر اساس مدل چشم‌انداز و با روش کیفی مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. تحقیقات کیفی ممکن است در همه انواع تحقیقات علمی وجود داشته باشد، ولی اغلب در تحقیقات تاریخی، توصیفی موردی، تحلیل محتوا، علی و نظری به کار برده می‌شود. تحقیقاتی که نوعاً کتابخانه‌ای و نظری است و اطلاعات به وسیله ابزارهای سنجش مربوط نظیر فیش، جدول، کارت و امثال آن گردآوری می‌شود، از نوع تحقیقات کیفی است. در این نوع تحقیقات اسناد، مدارک، نوشته‌ها و آثار حکم داده را دارند که با جمع‌آوری، طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل آن‌ها می‌توان مجهول را کشف کرد؛ بنابراین، در تحقیقات کیفی محقق قادر است از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و غیره که تمامی آن‌ها به کمک تفکر و تعقل و منطق صورت می‌پذیرد، داده‌های گردآوری شده را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

بازه زمانی مورد مطالعه، مازندران دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰) است. گفتنی است این استان در دوره تاریخی مورد مطالعه، محدودی جغرافیایی استان‌های مازندران و گلستان کنونی از منتهی الیه غرب رامسر تا منتهی الیه شرق مراوه تپه را در برمی‌گرفت. مازندران، طعمه وسیع و زرخیزی از شمال ایران است که از نظر وضع طبیعی و جغرافیایی نسبت به سایر مناطق ایران موقعیت جداگانه و ویژه‌ای داشته است. مازندران از شمالی‌ترین مناطق اقلیمی ایران است که در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۷ درجه تا طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه و ۳۰ ثانیه ۵۴ درجه و ۳۰ ثانیه واقع شده است. مازندران در دوره پهلوی اول، از شمال و شمال شرق به دریای خزر و کشور ترکمنستان، از جنوب به استان‌های سمنان و تهران، از غرب به استان گیلان و از شرق به استان خراسان شمالی محدود می‌شد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

این منطقه از دوران باستان، به سبب شرایط اقلیمی ویژه، دارای واحدهای جغرافیایی سه‌گانه‌ای بوده‌است. از ناحیه جنوب منتهی به رشته‌های تقریباً ممتد از کوه‌های نسبتاً بلند است که در آن جنگل وجود ندارد اما پوشیده از مراتع سبز و خرم بوده و نیمی از

سال برفی و مملو از توده‌های یخ و برف است. قسمت عمده دیگر، ناحیه کوهپایه‌ای است که بخش عمده آن پوشیده از جنگل و مراتع سرسبز است. این نواحی، بخش اندکی از چشم‌انداز کشاورزی مازندران را تشکیل می‌دهند. جلگه مازندران، سرزمین وسیعی است که از مغرب از حوالی رامسر تا منتهی الیه مشرق ایالت کشیده شده است (Shayan, 1957: 8-9). این ناحیه، بیشترین اراضی کشاورزی مازندران را به خود اختصاص داده است. زیستگاه‌های مردم مازندران از دوران باستان، به سبب تنوع شرایط اقلیمی و جغرافیای طبیعی آن، در این سه واحد جغرافیایی جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی پراکنده بوده است. برای ارزیابی چشم‌انداز کشاورزی مازندران، زیست‌بوم‌های سه‌گانه مازندران دوره پهلوی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

## یافته‌ها و بحث

### کشاورزی سنتی مازندران پیش از دوره پهلوی اول

در ادوار پیشین، بیشتر جمعیت مازندران روستانشین بوده و فعالیت عمده آن‌ها کشاورزی بود. اقتصاد مازندران در آن دوره بر پایه کشاورزی- دامداری استوار بود، یعنی در جلگه، مناسبات کشاورزی و در نواحی کوهستانی، روابط کشاورزی- دامداری حاکم بود. بیشتر روستاها خالصه شاه بودند و گاهی توسط دولت اجازه داده می‌شدند و هر کس سرمایه کافی برای اجاره کردن روستا داشت، می‌توانست ارباب شود. در آن صورت ارباب روستا را ملک و سکنه آن را رعایای خود محسوب می‌داشت که طبق سنت مجبورند برای او کار کنند (Melgunov, 1997: 254). نظام اقتصادی حکومت قاجاریه بر مبنای زمین‌داری بزرگ استوار بود (Khosravi, 1979: 18). در جلگه و کوهستان، مالکیت اجتماعی و فردی بر زمین متفاوت بود. در نواحی کوهستانی شکل غالب مناسبات خرده مالکی و گاه متکی بر مالکیت جمعی و نواحی جلگه‌ای اغلب در دست بزرگ مالکان بود (Anvari et al, 2004: 155). هرچند با اعطای مشروطیت در سال ۱۳۲۴ قمری، مالکیت فردی مقدس شمرده شد، اما زمین‌داران بزرگ، از این قوانین به سود خود بهره بردند (Hasanzadeh, 2012: 59). خوانین ایلات، روحانیان، فرماندهان قشون، همچنان املاک خود را حفظ و دولت نیز زمین‌های خالصه را تحت کنترل خود داشت (Khosravi, 1979: 23-24).

تا پیش از دولت پهلوی اول، کشاورزان با ابزارآلات ابتدایی به زراعت و تولید محصول مشغول بودند. در بسیاری از نقاط به کمک خیش‌های چوبی که به گاو بسته می‌شد، فرآیند شخم زدن زمین صورت می‌گرفت (Seyf, 2009: 182-183). در مازندران نیز زمین‌ها به کمک دو جفت گاو نر قوی هیکل به تناوب شخم زده می‌شدند و خیش مازندرانی به مراتب سنگینتر از سایر انواعی بود که در سایر نقاط به کار می‌رفت. همچنین درو کردن، خرمنکوبی و وجین کردن با دست صورت می‌گرفت (Taheri, 1968: 626). گاوآهن، شانه، انواع مختلف بیل و چنگک نیز از دیگر ابزارهای کشاورزی بودند و محصولات کشاورزی به وسیله چارپایان بارکشی که غالباً برای شخم و خرمن کوبی و دامداری مورد استفاده بودند به بازار حمل می‌شدند (Barrier, 1984: 12).

### مدرن‌سازی کشاورزی و تحول چشم‌انداز کشاورزی مازندران در دوره پهلوی اول

کشاورزی در مازندران از عمده فعالیت‌های انسانی به‌شمار می‌آمد. از دوران گذشته کشاورزان مازندران در پرورش محصولات مانند برنج، ابریشم، گندم، کنف، کتان، چغندر قند و غیره فعالیت داشتند. در دوران سلطنت پهلوی اول، مجموع اقدامات اصلاحی با محوریت مدرن‌سازی در کشاورزی مازندران صورت پذیرفت. برخی از این سیاست‌های اصلاحی همانند تشکیل ادارات کشاورزی، استخدام متخصصین کشاورزی، دفع آفات و مراکز آموزشی کشاورزی مستقیماً در جهت ترقی و بهبود کشاورزی تصویب و اجرا شد و برخی دیگر از این برنامه‌ها همانند احداث جاده و راه‌آهن و انحصارات دولتی به شکل غیرمستقیم، تأثیر بسزایی در وضعیت کشاورزی این دوره داشتند. پروسه مکانیزاسیون کشاورزی مازندران با هدف برآورده ساختن نیازهای داخلی، جلوگیری از واردات و گسترش صادرات، با واردات ماشین‌آلات کشاورزی، آموزش کشاورزی مدرن به کشاورزان، صنعتی‌سازی و فرآوری محصولات کشاورزی در دوره پهلوی اول آغاز شد. مجموع این اقدامات و اصلاحات، تغییرات چشمگیری در چشم‌انداز اراضی کشاورزی مازندران ایجاد کرد.

## تسخیر طبیعت

دولت پهلولی اول در راستای نوسازی و به منظور تجاری سازی فرآورده‌های کشاورزی بامکانیزه کردن و صنعتی سازی فرآورده‌ها، به اراضی بیشتر و در نتیجه تولید کشاورزی بیشتری نیاز داشت. دولت با دو دسته اراضی روبرو بود. دسته اول اراضی کشاورزی محدودی که قابلیت گسترش داشتند. دسته دوم، باتلاق‌ها، تپه‌ها و جنگل که تا آن زمان مورد بهره‌برداری کشاورزی واقع نشده بود. پهلولی اول برای رسیدن به اهداف بلندپروازانه‌اش، الگوی آلمانی تسخیر و تسلط بر طبیعت را در پیش گرفت. بنابراین روش و بواسطه احیای باتلاق‌ها و مرداب‌ها، زهکشی زمین بایر و دشت‌ها، مرتب کردن رودخانه‌ها و ساختن سد بر روی دره‌های مرتفع، طبیعت تسخیر شد و چشم‌انداز طبیعت نیز تغییر کرد. (Blackbourn, 2006: 3) پهلولی اول نیز با اقدامات مهمی از جمله خشکاندن باتلاق‌ها و استفاده از اراضی پست و مرتفع برای کشت محصولات مناسب با ویژگی‌های این اراضی، برای نخستین بار، چهره طبیعت را تغییر داد و چشم‌انداز جدیدی در مازندران بوجود آورد.

## - خشکاندن باتلاق‌ها

علی‌رغم گستردگی اراضی زیر سطح کشت در مازندران، به سبب شرایط اقلیمی اراضی بسیاری مانند باتلاق‌ها در این منطقه وجود داشتند که در طول سالیان دراز، فاقد کاربردی کشاورزی بودند. ولی در راستای سیاست‌های توسعه محورانه پهلولی اول، به مجموع اراضی کشاورزی مازندران افزوده شده و چشم‌انداز کشاورزی مازندران را تغییر دادند. دولت پهلولی اول به پیشنهاد هاریس که به مازندران سفر کرده بود، خشکاندن و زهکشی باتلاق‌ها را در دستور کار خود قرار داد (I. N. D. O, N: 230-4111). برای نمونه در سال ۱۳۰۸ برای اصلاح بندرگز و خشکاندن باتلاق‌های بندر از طرف وزارت داخله اقدام شد و معادل چهارده هزار تومان اعتبار نیز به حکومت استرآباد داده شد (Iran, August 20, 1929). در سال ۱۳۱۹ نیز در باقرتنگه نزدیک بابل برای کندن کانال برای زهکشی باتلاق‌ها بیست و سه هزار و چهارصد و چهل و شش متر مکعب خاک‌برداری و در گنبدکاووس نیز عملیات زهکشی انجام شد (Ettela'at, May 27, 1940). بدین صورت با پیگیری دولت و در راستای افزایش حجم زمین‌های زراعی در مازندران، بسیاری از باتلاق‌ها خشکانده و به اراضی قابل کشت تبدیل شدند.

## - مهار طغیان آب

مازندران به دلیل برخورداری از آب و هوای معتدل، زمین‌های حاصلخیز و میزان بارندگی مناسب در طول سال، با مشکل کمبود آب مواجه نبود. ولی به سبب عدم تسلط بر طبیعت تا پیش از روی کار آمدن پهلولی اول، میزان زیادی از آب به هدر می‌رفت و مورد استفاده کشاورزان قرار نمی‌گرفت. ساده‌ترین راه، نصب تلمبه در کنار رودها بود تا آب را به مزارع بایر برساند (Ettela'at, August 10, 1936). ولی دولت به این امر بسنده نکرد و اقدامات زیربنایی مهمی برای کنترل منابع آبی و مهار طغیان آن، انجام داد. دولت پهلولی اول در راستای بهبود کشاورزی مازندران توجه ویژه‌ای به منابع آبی داشت و به منظور افزایش سطح کشت اراضی و بهره‌برداری بیشتر، تلاش کرد تا با ساخت سد، چاه‌های جدید و به کار بردن اصول آبیاری جدید، ضمن جلوگیری از هدر رفتن آب، زمین‌های بیشتری را برای کشاورزی بوجود آورده و سطح زیرکشت اراضی کشاورزی را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. به طوری که با ساخت سد بر روی رودخانه‌ها، توانست شلتوک کاری را تا حدود هشتاد هزارهکتار گسترش دهد (Shayan, 1957: 43).

## - سد

منابع آب کشاورزی مازندران عبارت از رودها، چشمه‌سارها و باران است (Mahjouri, 1967: 351). بیشتر زمین‌های زراعی از گذشته، از آب رودخانه‌ها استفاده می‌کردند، برای نمونه زمین‌های زراعی هزارجریب از رودخانه‌های تجن و رود نکا آبیاری می‌شدند. در حدود کوهپایه، چشمه‌سارها و رودهای فراوان وجود داشت و در هنگام کشت محصول، بیشتر نهرها و رودها به‌ویژه نهرهای آمل به بابل، تحت نظارت اداره مالیه و سرمیراب قرار می‌گرفت و میان مالکین و زارعین تقسیم می‌شد (Nadi, 2017: 128). دولت پهلولی اول با وجود منابع آبی کافی از جمله باران و رودها در مازندران، اصلاحاتی را به منظور گسترش و توسعه کشاورزی انجام داد. ساختن سدهای جدید، کندن چاه‌های آرتزین و به کار بردن اصول جدید در آبیاری کشتزارها از جمله این اصلاحات بود تا اینگونه از هدر رفتن منابع آبی جلوگیری شود و به منظور زراعت و آباد کردن اراضی مستعد استفاده شوند (Nafisi, 1966: 122). بدین منظور و نیز در نتیجه افزایش محصولات حاصل از کشاورزی مدرن، اداره‌ای به نام اداره آبیاری و

سدسازی وابسته به اداره کل کشاورزی در سال ۱۳۱۵ تاسیس و شروع به فعالیت کرد (Rahmani, 1369: 157-158). در همان سال زاهدی، مهندس اداره کل فلاحت به منظور نقشه‌برداری سد رود گرگان به این منطقه اعزام شد و با تأمین اعتبار لازم، محل ساخت سد در پهلوی دژ تعیین و شروع به ساخت شد (Nadi, 2017: 128). پیش از تشکیل این اداره نیز احداث سد در مازندران آغاز شده بود، به طوری که در سال ۱۳۱۲ در تنکابن عملیات سدسازی بر روی رود این شهر انجام شده بود (Ettela'at, 6 September: 1933).

سد سازی، احداث کانال‌ها و نهرهای جدید برای آبیاری زمین‌های بایر به منظور افزایش حجم اراضی مزروعی، موجب شد تا کشاورزان این منطقه با روش‌های جدید آبیاری آشنا شوند. رواج فرهنگ استفاده بهینه از منابع موجب شد تا اراضی مزروعی بیشتری آبیاری شوند و در نتیجه حجم محصولات آبی در میان کشاورزان زراعی نیز افزایش بیابد. از سوی دیگر بسیاری از کشاورزان با استفاده از نهرها و کانال‌های جدید به احیای زمین‌های بایر روی آوردند و این امر ضمن افزایش درآمد اقتصادی کشاورزان، موجب شد تا زمینه اشتغال تعدادی از زارعان بیکار نیز فراهم گردد. دولت پهلوی سعی داشت تا از طریق سدسازی و آبیاری و افزایش اراضی زیر کشت، کشت برخی محصولات مانند پنبه را تا پنجاه درصد افزایش دهد (Nadi, 2017: 126-130).

### - پل

بارش فراوان در بیشتر فصول سال در مازندران باعث بالا آمدن آب رودخانه‌ها و تجاوز آن از حریم رودخانه‌ها می‌شد که رفت و آمد مردم را با مشکل روبرو می‌کرد. با ساخت پل‌ها می‌شد طغیان آب‌ها را مهار کرد و امکان بهره‌برداری بیشتر از پتانسیل‌های کشاورزی مازندران را فراهم می‌ساخت. ساخت پل نه تنها همراه با رفت و آمد شهروندان برای فروش محصولات کشاورزی موثر بود، بلکه امکان دسترسی به اراضی دوردستی را که تا پیش از ساخت پل و مهار طغیان آب، مورد استفاده قرار نمی‌گرفت را مهیا می‌کرد. توجه رضاشاه به مازندران باعث شد تا اعتبار راه‌ها و پل‌ها در مازندران افزایش یافته و در طول سال ۱۳۱۹، ۶۳۰۰۰۰۰ ریال برسد (I. N. D. O, N: 330000015).

پل‌های ساخته شده در مقیاس بزرگ و کوچک و از جنس بتن، سنگ و آجر بر روی رودخانه‌ها کار گذاشته شدند. پل‌سازی در مازندران، برآیند تفکر دولت مدرن بود و دروازه‌ای برای حمل محصولات کشاورزی در قالب رفت و آمد مناسب‌تر به روستاها و شهرهای اطراف به‌شمار می‌آمد. برای رساندن کالاها از مبدا یعنی روستاهای دور افتاده و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگتر و امکان حمل آن به پایتخت، ساخت پل‌های مستحکم ضروری به نظر می‌رسید. پل‌های متعددی در شهرهای مختلف آمل، بابل، ساری، بابلسر، محمودآباد، تنکابن، رستم‌رود نور، علی‌آباد، بهشهر و نوشهر ساخته شد (Ettela'at, August 17, 1930). پل معلق ساری، پل پلور، لاریجان، پل آمل، پل معلق بابلسر، پل چالوس، پل ورسک، پل چشمه کیله، پل تالار، پل شاهی، پل فریدون کنار از جمله پل‌هایی بودند که در دوران رضاشاه بر روی رودخانه‌های واقع در این شهرها توسط مهندسين خارجی به‌ویژه آلمانی-ها ساخته شده بود (Shayan, 1957: 104-110). در سال ۱۳۱۴ بنا به دستور رضا شاه در شهر آمل، نصب پل معلق به طول ۱۷۵ متر و به عرض ۹ متر بر روی رودخانه هراز آغاز شد که در سال ۱۳۱۷ به وسیله مهندسين شرکت "اشکودا" به پایان رسید (Ettela'at, May 4, 1937). پل قدیم آمل نیز در دوران رضا شاه تعمیر و مرمت گردید. همچنین، پل چالوس که در سال ۱۳۱۲ عملیات ساخت آن به پایان رسید، پلی بی‌پایه و معلق بود (Ettela'at, December 6, 1933). پل چوبی درازکلا یکی دیگر از پل‌هایی بود که در این دوران ساخته شد. پل‌های قدیمی نیز در دست تعمیر و مرمت قرار گرفتند (Ettela'at, July 15, 1930). از جمله پل محمدحسن‌خان از بناهای دوران قاجاری است که بنا به دستور محمدحسن‌خان قاجار بر روی رودخانه بابل واقع در یک کیلومتری شهر بابل ساخته شده بود، در سال ۱۳۱۹ مبلغ پانصد هزار ریال برای اتمام عملیات بازسازی در نظر گرفته شد (Ettela'at, May 5, 1937).

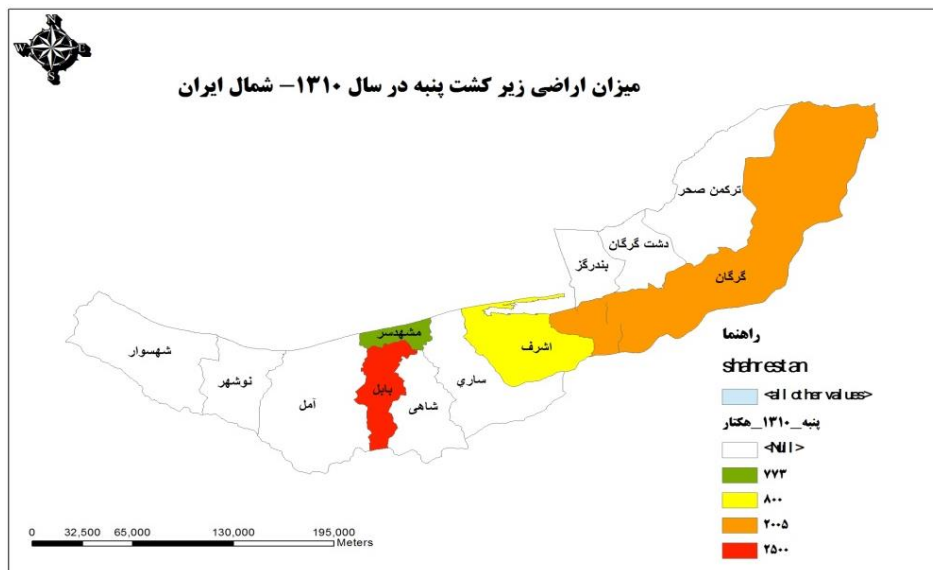
### انواع چشم‌اندازهای کشاورزی مازندران

مجموع اقدامات دولت پهلوی اول در امر اصلاح زیرساخت‌های کشاورزی، تغییرات چشمگیری در چشم‌انداز کشاورزی مازندران بوجود آورد. دولت پهلوی اول در ابتدا سطح زیر کشت اراضی محصولاتی که تا آن زمان در مازندران کشت می‌شدند را افزایش داد. در گام بعدی، اراضی بایر از جمله تپه‌ها و زمین‌های پست و ناهمواری که تا پیش از آن مورد استفاده کشاورزی قرار نمی‌گرفتند را به منظور کشت محصولاتی که در گذشته در مازندران کشت می‌شدند، ولی به مرور زمان و با بی‌توجهی حاکمان، در حال نابودی

بود و نیز محصولات جدیدی که بنا بر شرایط جغرافیایی و خاک حاصلخیز مازندران، قابلیت کشت و پرورش آن‌ها وجود داشت، اختصاص داد.

### - چشم‌انداز زمین باز: گسترش چشم‌انداز پیشین

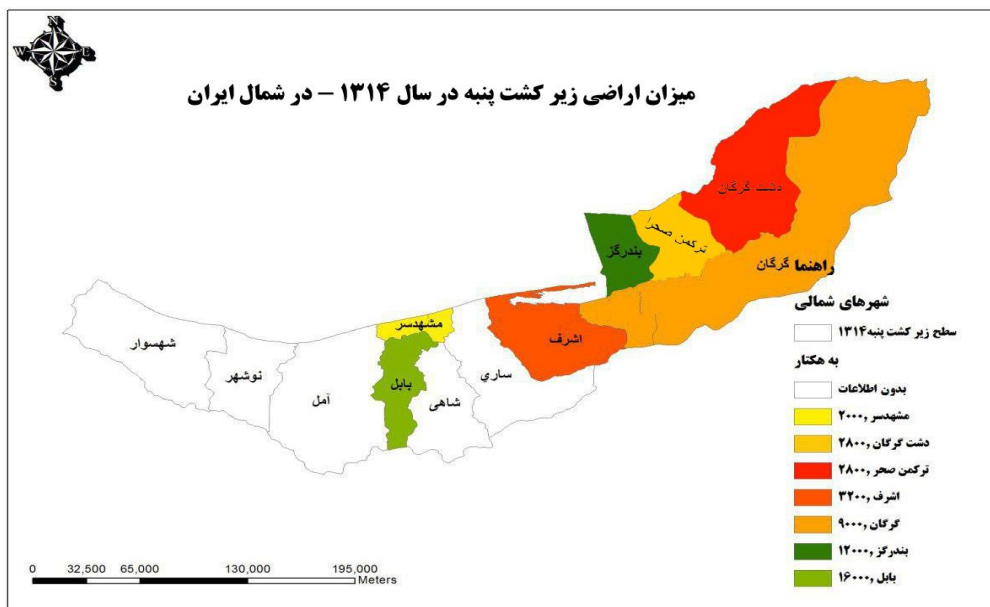
چشم‌انداز زمین باز، تنها تصویری بود که در طول قرون متمادی از کشاورزی مازندران وجود داشت. دولت پهلوی اول با اقداماتی از قبیل ایجاد مزارع نمونه و توجه به کشت محصولات پردرآمدی که در تجربه کشاورزی مردم مازندران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند، سطح اراضی زیرکشت را گسترش داد. پنبه یکی از این محصولات بود. در دوره پهلوی اول تولید این فرآورده که در سال‌های بعد از مشروطیت به علت ارتباط با کشورهای اروپایی استفاده از بذره‌های پنبه خارجی در ایران متداول شد، تحت تأثیر برنامه‌های اصلاحی دولت افزایش یافت. با تأسیس شرکت پرسخلویک (شرکت مختلط ایران و روس) در ایران، در برخی از مناطق مازندران از جمله در جویبار و کیاکالا، بذره‌های پنبه مصری و آمریکایی میان کشاورزان توزیع و با فراهم شدن وسائل دفع آفات کشت پنبه توسعه یافت. دامنه عملیات این شرکت در بابل، ساری، بهشهر، بندرگز و دشت گرگان نیز گسترش یافت و اینگونه کشت پنبه آمریکایی، در ایران رو به افزایش نهاد (Mir Heydar 1976: 129). تا سال ۱۳۱۲ تعدادی مزرعه آزمایش پنبه در نواحی مختلف مازندران ایجاد شد (Marashi and Vaghefi 1974: 13). بدین ترتیب زراعت و تولید پنبه به عنوان یکی از کالاهای اصلی صادراتی به طور جدی پیگیری و در نواحی متعدد کشور از جمله مازندران گسترش یافت (Razi, 1999: 166). اراضی اطراف بابل، بابلسر، جویبار، قائمشهر و زاغمرز بهشهر برای پنبه‌کاری موقعیت مناسبی داشتند (Razi, 1999: 166, Shayan 1957: 49-50). منطقه گرگان و دشت از لحاظ کمی و کیفی بهترین منطقه پنبه‌خیز کشور بود و پنبه‌کاری در این منطقه بزرگترین فعالیت کشاورزی رو به پیشرفت محسوب می‌شد (Noori 1994: 214-215) از این رو مزارع نمونه‌ای در این شهر بوجود آمد.



شکل ۲. میزان اراضی زیر کشت پنبه در سال ۱۳۱۰ خورشیدی

در پی سیاست‌های اصلاحی دولت، و با هدف رواج پنبه در دنیا به وسیله قراردادهای تجاری، اراضی بیشتری برای کشت پنبه اختصاص داده شد. با برنامه ریزی دولت، در سال ۱۳۱۳ اراضی پنبه کاری در گرگان و دشت به پنج هزار هکتار رسید و این مسأله منجر به توسعه زندگی روستایی و مکانیزه شدن هرچه بیشتر این مناطق گردید (Gholami, 2014: 199). در سال ۱۳۱۶ حدود چهل و شش هزار پانصد هکتار زمین پنبه‌کاری شد. در سال ۱۳۱۷ خورشیدی / ۱۹۳۸ میلادی، تولید پنبه نسبت به سال قبل افزایش یافت و فقط از بندرگز حدود بیست و هفت هزار و نهصد و سی و شش تن پنبه جمع‌آوری شد (B.M.I. December 21, 1938) تا سال ۱۳۱۸ به دنبال تغییر زیربنای تولید کشاورزی و سیاست‌های اصلاحی و با تأسیس شرکت "پنبه، پشم، پوست" و خرید تدریجی کارخانه‌های پنبه پاک کنی، زراعت پنبه بیش از پیش توسعه یافت (Noori, 1994: 211). در سال ۱۳۱۸ حدود سه هزار تن در مازندران و هزار و هشتصد تن در بندرگز پنبه تحویل گمرک داده شد و هزار و هفتصد تن نیز در بابلسر آماده حمل به

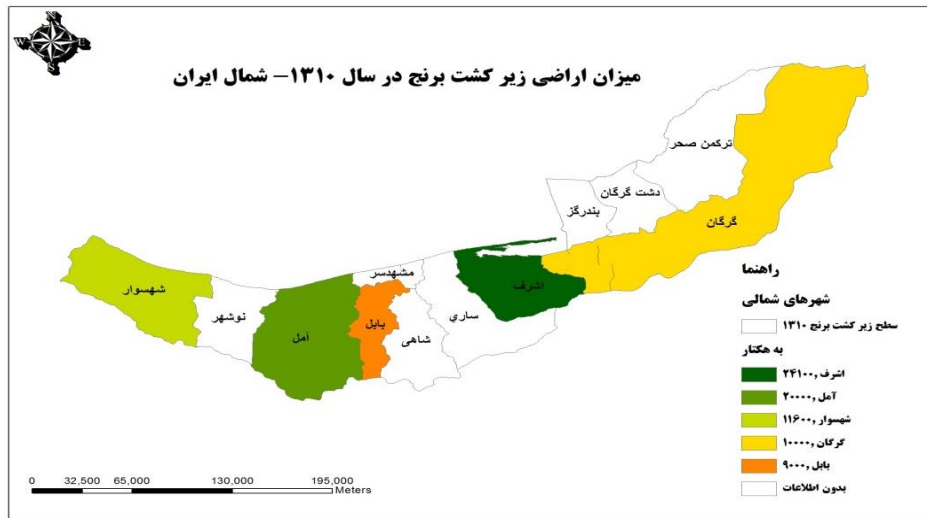
خارج بود. در همین سال نیز چهار هزار و هشتصد تن پنبه به آلمان صادر شد (I. N. D. O, n: 240-83398). از مهم‌ترین اقدامات اصلاحی دولت در بخش کشاورزی توجه به توان‌های محیطی مناطق برای کشت محصولات کشاورزی بود. از این رو برای کشت محصولی مانند پنبه به جانب شرقی مازندران که قابلیت بیشتری برای کشت این محصول را داشت و امکان دسترسی آن برای تجاری‌سازی و صنعتی‌سازی بیشتر مهیا بود، اقدام شد.



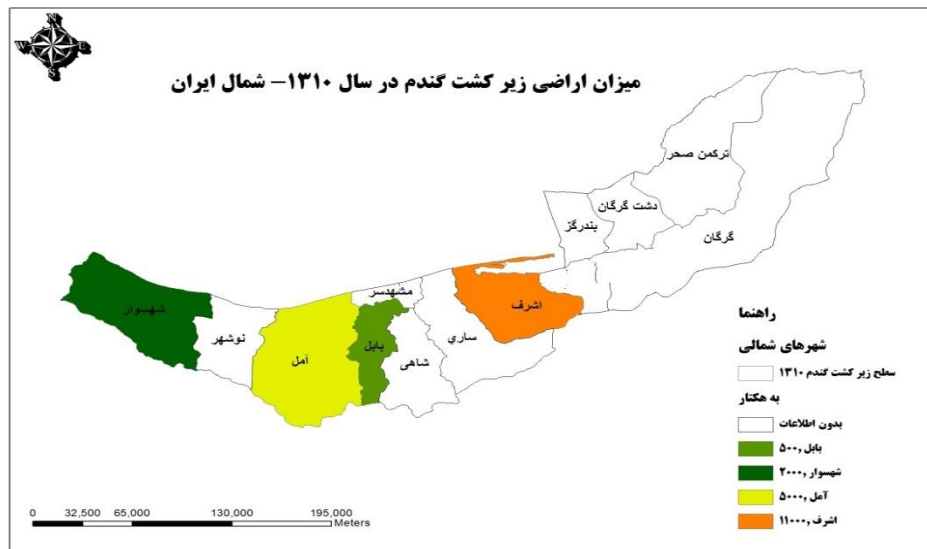
شکل ۳. میزان اراضی کشت پنبه در سال ۱۳۱۴ خورشیدی

همچنین توجه به کشت توتون و تنباکو در مازندران و اختصاص اراضی گسترده برای کشت آن، باعث افزایش چشمگیر سطح چشم‌انداز زمین باز شد. با اینکه توتون و تنباکو در دوره قاجار نقش مهمی در صادرات ایران را بازی می‌کرد، ولی توجهی به کشت آن در مازندران نمی‌شد. در سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی سطح زمین‌های زیر کشت در مازندران مشخص نبوده و حجم تولید توتون بسیار پایین بوده است ولی در طی این دوره کشت این محصولات نیز مورد توجه قرار گرفت. در نتیجه تلاش‌های دولت در سال ۱۳۱۵ به وسیله کارپردازان املاک اختصاصی، بنگاه‌های بزرگی در شهرستان‌های مازندران ایجاد و سطح کشت آن تا دو هزار هکتار گسترش یافت. در نتیجه به منظور کشت توتون، اراضی کشاورزی جدیدی به محدوده اراضی کشاورزی مازندران افزوده شد (Shirinbakhsh, 2010: 93). زراعت توتون در بابل، بهشهر، صحرای ترکمن و گنبد قابوس توسعه یافت (Ettela'at, August 28, 1933) در گرگان نیز به دلیل اقدامات مفید و تشویق دولت، اراضی توتون‌کاری گسترش یافت (Ettela'at, September 21, 1936) و در طی سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ برداشت این محصول نسبت به سال قبل، حدود دو برابر افزایش یافت (B.M.I. September, 1938). بومیان مازندران نیز با حمایت و توجه دولت، اراضی خود را به کشت توتون اختصاص دادند. بطوری‌که سالانه حدود چند صد هکتار به مزارع توتون‌کاری افزوده می‌شد (B.M.I. February, 1938). توجه به کشت خشخاش در مناطقی مانند علی‌آباد و برخی از مناطق دشت گرگان نیز باعث گسترش سطح چشم‌انداز زمین باز شد (Nadi, 2017: 208). از دیگر محصولات مازندران که در گسترش چشم‌انداز زمین باز نقش موثری داشت، برنج و گندم و جو بود. کشت ساده و فوری برنج و سودآوری محصول سبب شد تا در مازندران بسیاری از کشاورزان بیشتر به شالیکاری مشغول باشند. در نور، سوادکوه، آمل و لاریجان به ویژه وضعیت اینگونه بود و بیشتر شالی و گندم و جو کشت می‌شد. کشت گندم و جو در برخی مناطق که کشاورزی منطقه براساس زراعت دیم بود، رواج داشت و از آب رودخانه فقط برای کشت برنج استفاده می‌شد (Asgari, 1971: 339). در نقاط قشلاقی نیز به دلیل کمبود آب و استعداد خاک به شیوه دیم گندم و جو کشت می‌شد و بخش عمده این کشت در ساری و بهشهر تا گرگان انجام می‌گرفت (Shayan, 1957: 43-44). به طوری که نواحی شرقی مازندران را می‌توان چشم‌انداز کشت پنبه، گندم و جو نامید.

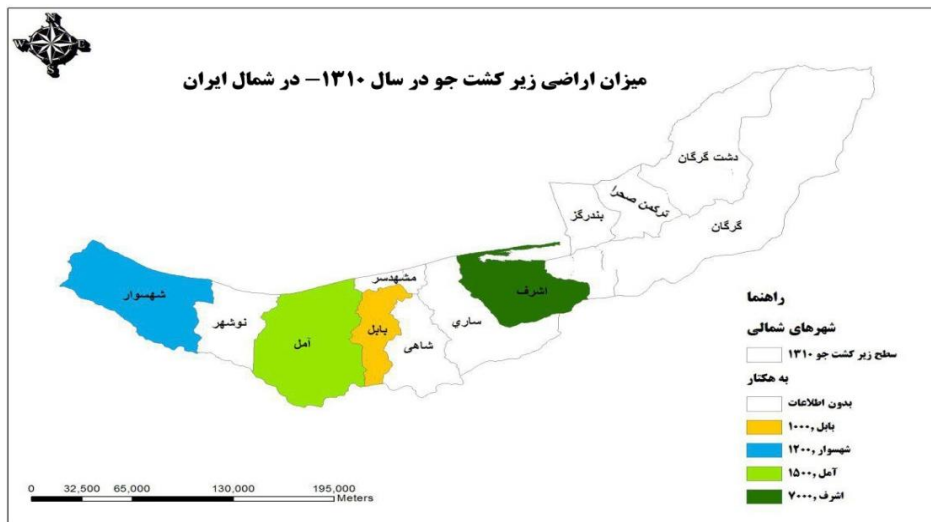




شکل ۴. میزان اراضی زیر کشت برنج در سال ۱۳۱۰ خورشیدی



شکل ۵. میزان اراضی زیر کشت گندم در سال ۱۳۱۰ خورشیدی



شکل ۶. میزان اراضی زیر کشت جو در سال ۱۳۱۰ خورشیدی

بهدانه، زردچوبه، حبوبات، کتان، بادام‌زمینی، کرچک، سویا و کنجد از دیگر محصولات بود که با کشت آن در زمین‌های کشاورزی مازندران، چشم‌انداز زمین باز نیز گسترش یافت. برای نمونه، تنها در سال ۱۳۱۰ حدود پانصد و هفتاد جریب به کشت کنجد اختصاص یافت. تولید کنف نیز در مازندران افزایش یافت، به طوری که دولت با تهیه بذر مرغوب، تشویق کشاورزان و افزایش قیمت کنف، توانست زراعت کنف را تا حدود چهار هزار هکتار در شهرهای مختلف مازندران توسعه دهد (Shayan, 1957: 51). سبزیجات نیز از جمله محصولاتی بود که با توجه به ایجاد بسترهای اقتصادی مناسب از سوی دولت و حاکمان محلی (Sadeghi, 2012: 74) برای فروش آن در بازار پایتخت و سایر نقاط ایران، مورد استقبال مردم مازندران قرار گرفت و اراضی بیشتری بدین منظور اختصاص داده شد. همچنین، کارخانه‌های کنسروسازی فراوانی که در مازندران ایجاد شده بودند، موجب گردیدند تا اراضی بیشتری برای کشت سبزیجات و حبوبات اختصاص داده شده و در نتیجه، باعث گسترش چشم‌انداز زمین باز شد. بیشتر این محصولات پیش از دوره پهلوی اول کشت نمی‌شدند. برخی از آن‌ها به سبب عدم توجه به اقتصاد کشاورزی مازندران، سطح زیر کشت کمی را به خود اختصاص داده بودند. ولی در این دوره اراضی بیشتری برای کشت این محصولات اختصاص داده شد.

### – ایجاد چشم‌اندازهای جدید

از جمله تغییراتی که در چشم‌انداز کشاورزی مازندران ایجاد شد، اختصاص اراضی کشاورزی جدید به امر کشاورزی بود. برخی از این محصولات پیش از دوره پهلوی در اراضی زراعی مازندران کشت می‌شدند ولی در این دوره به سبب تجاری سازی و توجه ویژه به محصولات کشاورزی مازندران، اراضی بیشتری برای کشت آن‌ها در نظر گرفته شد. علاوه بر این، محصولات تجاری دیگری نیز بودند که تا پیش از این دوره در مازندران کشت نمی‌شدند، ولی به سبب شرایط اقلیمی و حاصلخیزی خاک و سوددهی بالای این محصولات، بسیار مورد توجه واقع شدند. در نتیجه اراضی جدیدی برای آن‌ها در نظر گرفته شد. اراضی که تا پیش از این دوران، بدون زراعت و بهره‌وری بودند، اکنون به چشم‌انداز کشاورزی مازندران افزوده شدند. کشت و تولید ابریشم، چای، توتون و مرکبات در راستای کاهش واردات و تأمین نیازهای بازار خارجی افزایش یافت. در این راستا حتی محصولاتی مانند کنجد، زردچوبه و حبوبات نیز در دستور کشت و تولید قرار گرفت.

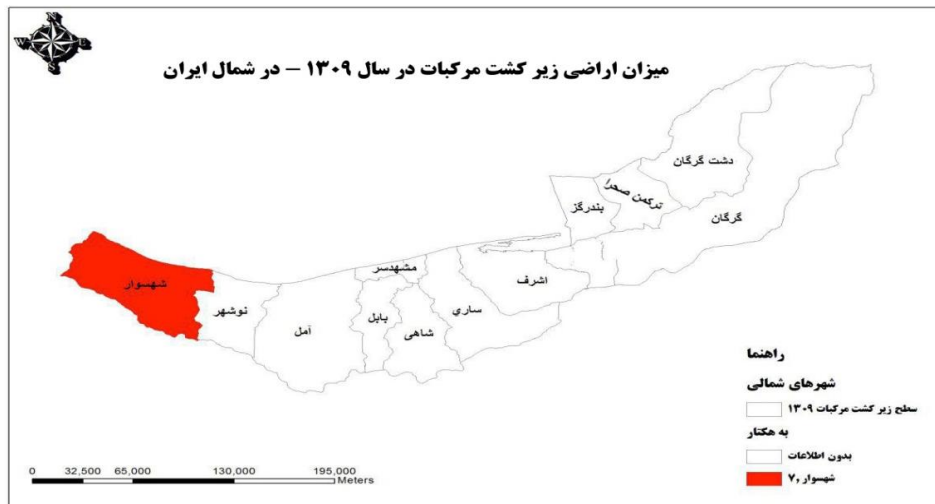
### – چشم‌انداز باغی

اختصاص اراضی بیشتر برای کشت محصولات باغی در مازندران و ایجاد مزارع و نهالستان‌ها در مناطق و زمین‌هایی که در دوره پهلوی اول به کشت این محصولات اختصاص داده شدند، چشم‌انداز جدیدی را به کشاورزی مازندران افزودند. مرکبات از جمله این محصولات بودند که در این دوره در طی روند تجاری سازی، نقش مهمی در اقتصاد کشاورزی مازندران برعهده داشتند. بدین منظور، سیر تکاملی کشت مرکبات در دوره رضاشاه آغاز شد و واریته‌های اصلاح‌شده برای اولین بار به ایران وارد و در ایستگاه‌های کشاورزی و کاخ‌های سلطنتی شمال ایران کاشته شدند (Ebrahimi, 1976: 128). ایستگاه بررسی نهال مرکبات نوشهر، کلاردشت و رامسر تأسیس و گسترش یافته و کشت و تکثیر نهال در آنجا به سرعت دنبال شد. به دلیل توجه و علاقه شدید رضا شاه به ایستگاه بررسی نهال مرکبات رامسر، در سال ۱۳۰۹ باغ زیبایی به مساحت هفت هکتار به نام باغ فلاح در گرمه‌رود رامسر احداث گردید (Mirhosseni, 1976: 13-16). ایستگاه کشاورزی خرم‌آباد- از توابع تنکابن- که مقر فرماندهی محمولی میرزا سپهسالار تنکابنی بود، در اوایل سلطنت پهلوی به دولت واگذار گردید و از سال ۱۳۱۲ به امر رضاشاه، جهت استفاده و تهیه نهال در اختیار وزارت کشاورزی گذاشته شد. از همان زمان کارمندان فنی وزارت کشاورزی نسبت به گسترش سطح کشت مرکبات فعالیت کردند و اقداماتی در جهت کشت این محصولات در مناطق مستعد مثل دامنه‌های جنوبی خرم‌آباد، اطراف رامسر و سادات محله، شعیب کلاهی کلارآباد صورت پذیرفت (Saniee, 1976: 134).

به دلیل اختصاص اراضی وسیعی به کاشت مرکبات، حجم محصول مرکبات در مازندران بسیار بالا بود. در طی سال‌های پایانی سلطنت پهلوی اول، در تنکابن اراضی باغات مرکبات نسبت به سایر شهرستان‌های مازندران افزایش یافت و سرمایه اکثر اهالی به ویژه نواحی خرم‌آباد- بلده، سیاه ورز، زوار، نشاء، تنکابن و غیره به کشت آن اختصاص یافت (Shayan, 1957: 61). بسیاری از این مرکبات در روستاها متمرکز بودند و مردم بسیاری مخصوصاً در نواحی غرب مازندران به پرورش و تولید مرکبات روی آوردند. گسترش باغ‌های مرکبات در این نواحی، نقش و تاثیر مهمی در ایجاد چشم‌انداز باغی داشت. علاوه بر مرکبات، احداث توتستان‌ها و

نهالستان‌هایی برای تولید کرم ابریشم، توانست در ایجاد و گسترش چشم‌انداز باغی در مازندران دوره پهلوی اول موثر واقع شود. تربیت کرم ابریشم و تهیه پارچه‌های ابریشمی از زمان‌های بسیار قدیم در مازندران رواج داشت، ولی به واسطه شیوع بیماری پیپیرین که دشمن قوی کرم ابریشم است و عدم توجه متصدیان امور، تولید آن رو به نابودی می‌رفت (Shayan, 1957: 52). اما دولت پهلوی اول دستور توسعه توتکاری را صادر کرد. دولت همچنین در این زمینه از حکام محلی درخواست کرد تا با در اختیار گذاشتن اطلاعات و تجاربشان از منطقه تحت حکمرانی خود، دولت را در زمینه توسعه توتکاری و ابریشم یاری نمایند. دولت برای جلوگیری از زوال این صنعت، اراضی بایر بسیاری را به این امر اختصاص داد و توتکاری توتستان‌های نمونه در رستمرو، نور، قادی کلا در قائمشهر، توتستان فریکنار، کناره، سیاکلا محله گنج افروز و توتستان نمونه بابل را تکمیل کرد. دودانگه ساری، آمل و لاریجان، بابلسر، سوادکوه، بهشهر، علی‌آباد (قایمشهر)، نور، بابل و استرآباد از شهرهای مازندران بودند که بنابر گزارش منابع استعداد زراعت توتکاری و ابریشم را داشتند (Nadi, 2017: 190-196). در غرب مازندران و به ویژه رامسر نیز توتستان‌هایی در روستاهای کرنگپشته، میانلات و همچنین در توساسان رامسر (واقع در شمال رامسر) احداث شد (Sajjadi, 1999: 413).

در سال ۱۳۰۸ شعبه دائمی نوغان در بابل تأسیس شد و با احداث توتستان و تلمبار نمونه آغاز به کار کرد. در آمل نیز یک تلمبار و دو توتستان راه‌اندازی شد. این فعالیت‌ها و اطلاع‌رسانی در روستاها نتیجه مثبتی داشت و موجب شد تا یکصد هزار درخت توت کاشته شود. همچنین در همین سال حدود نه هزار پانصد و پنجاه و پنج جعبه تخم و در سال ۱۳۰۹ حدود دوازده هزار جعبه تخم به مازندران وارد و در سال ۱۳۱۷ حدود نود هزار کیلو پیله تنها از گرگان جمع‌آوری شد. علاوه بر احداث توتستان‌های نمونه، به دستور اداره مازندران توتستان‌های شخصی نیز در دهات مشارالملك، حومه بابل، حومه قادی کلا، حومه ساری و روستای اجبار کلا ایجاد شد (Nadi, 2017: 190-196). با تلاش‌های دولت برای توسعه این محصول، در اواخر این دوره در استان مازندران حدود هفتاد هزار جعبه تخم نوغان استفاده و نزدیک به ششصد تن پیله تولید می‌شد (Shayan, 1957: 52). توتستان‌های بسیاری که در این دوره ایجاد شد، چشم‌انداز جدیدی در مازندران ایجاد کرد. مازندران که در طول تاریخ، جنگل‌های انبوه بسیاری را از شرقی‌ترین تا غربی‌ترین مرزهایش گنجانده بود، و هرچند پرورش کرم ابریشم سالیان دراز در آن حضور داشت، اما در این دوره با ایجاد این توتستان‌ها در سطح گسترده و در بیشتر شهرهای استان، چشم‌انداز جدیدی را به خود می‌دید. چشم‌انداز اراضی کشاورزی مازندران با انجام این اصلاحات به منظور توسعه کرم ابریشم بسیار تغییر کرد.

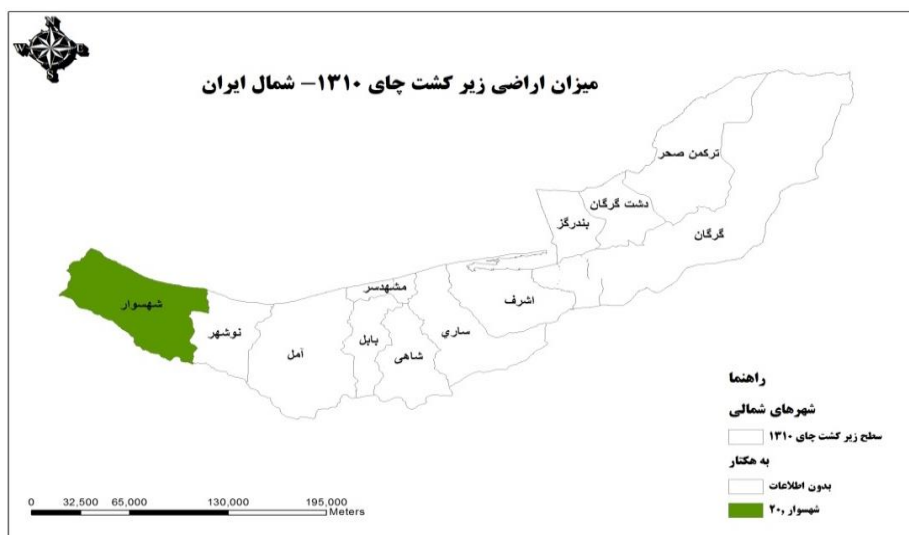


شکل ۷. میزان اراضی زیر کشت مرکبات در سال ۱۳۰۹ خورشیدی

### - چشم‌انداز تپه‌ای یا زمین پست ناهموار

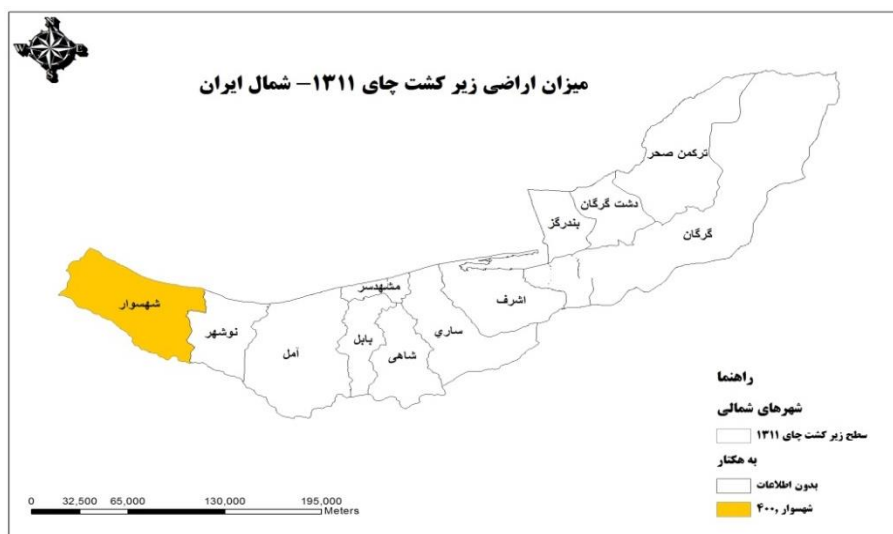
مازندران به سبب شرایط ویژه اقلیمی و جغرافیایی، تپه‌های طبیعی و اراضی مرتفع و زمین‌های پست ناهمواری را در خود جای داده است. از گذشته و در مناطق بیلاقی، کشت جو و گندم در سطح کم و به صورت پراکنده در این مناطق رایج بود ولی در دوره پهلوی اول، برای کشت محصولات با سود تجاری بالا، مانند چای، در سطح گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت. این تپه‌های طبیعی و اراضی مرتفع که تا پیش از این کاربری کشاورزی نداشتند، در این دوره نقش مهمی در کشاورزی برعهده گرفتند. در سال

۱۳۰۹ با احداث باغ‌های جدید و تهیه چای مرغوب، کشت آن مورد توجه قرار گرفت. دولت نیز به منظور تشویق کشاورزان چایکار، بنگاه خرید چای را در همین سال در تنکابن تأسیس کرد تا محصول چای املاک اختصاصی را خریداری کند و این اقدام موجب توسعه کشت چای در مازندران گردید (Mashayekhi, 2001: 382-383). رضاشاه دستور داد تا در سال ۱۳۱۰ نخستین باغ فنی در محل املاک اختصاصی شعیب کلایه احداث شده و مراحل تهیه چای به وسیله سازمانی خصوصی وابسته به املاک اختصاصی انجام گیرد (Saniee, 1976: 157).



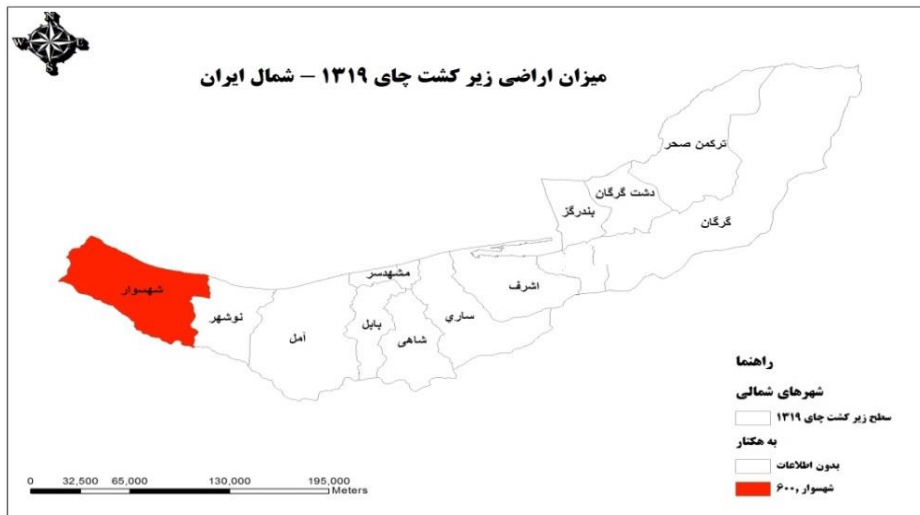
شکل ۸. اراضی زیر کشت چای در سال ۱۳۱۰ خورشیدی

در نتیجه این اقدامات کشت چای در تنکابن به سبب داشتن اراضی مناسب بسیار، رواج یافت. رضاشاه در راستای توسعه کشت چای در مازندران، دستور داد تا تمامی زمین‌های بایر قلعه‌گردن به کشاورزان داده شود تا آن را آباد و چای کشت نمایند. مطابق این فرمان به هر نفر چند جریب زمین واگذار شد (Mashayekhi, 2001: 382-383). در پی این سیاست‌ها، کشاورزان کجور و تنکابن به کشت چای ترغیب شدند (Shafaghe sorkh, Wednesday March 7, 1933). در سال ۱۳۱۱ اراضی زیر کشت چای بیست برابر سال قبل بیشتر شد و به چهارصد جریب رسید. بجز غرب مازندران (تنکابن) در اطراف بابل نیز کشت چای رونق یافت و همه ساله مقداری از محصول به مرکز و اطراف فرستاده می‌شد. بنابر آمار و اسناد رسمی، به سبب اختصاص اراضی بیشتر برای کاشت چای، سالانه از واردات چای کاسته می‌شد (Nadi, 2017: 197-199).



شکل ۹. اراضی زیر کشت چای در سال ۱۳۱۱ خورشیدی

علاوه بر افزایش اراضی کشت چای، برای توسعه کشت چای، در سال ۱۳۱۵ کارخانجات دولتی چای سازی در کلارآباد، قلعه گردن، شعیب کلایه تأسیس شد (Saniee, 1976: 156). سیاست‌های اصلاحی کشاورزی دولت چشم‌انداز جدیدی را به کشاورزی مازندران افزود. با گذشت ده سال سطح اراضی زیر کشت چای در مازندران به ششصد هکتار رسید (Sajjadi, 1999: 395-396) و کشاورزان بیشتری به چایکاری روی آوردند. تپه‌های طبیعی و اراضی مرتفع بیشتر شهرهای مازندران به ویژه شهرهای ناحیه غربی مازندران مانند رامسر و تنکابن، که تا پیش از کشت چای، بدون استفاده بودند، به قلمرو کشاورزی مازندران اضافه شده و چشم‌انداز کشاورزی تپه‌ای را ایجاد کردند.



شکل ۱۰. اراضی زیر کشت چای در سال ۱۳۲۰ خورشیدی

## نتیجه‌گیری

با اقدامات پهلوی اول به منظور مکانیزه کردن کشاورزی مازندران و تجاری سازی و صنعتی سازی محصولات کشاورزی، تغییراتی در چشم‌انداز کشاورزی مازندران ایجاد شد. دولت مدرن با رویکردی نوسازانه توانست چهره طبیعت را در مازندران تغییر دهد. در طول این دوره، دولت با تسلط بر طبیعت و تسخیر آن، از جمله خشکاندن باتلاق‌ها و زهکشی، مهار طغیان آب و تسلط بر منابع آبی، اراضی بسیاری را به مجموع اراضی کشاورزی مازندران افزود. دولت با ساخت سد و پل، علاوه بر اینکه شرایط را برای افزایش سطح زیر کشت محصولات و در نتیجه رونق کشاورزی مهیا کرد، چهره جدیدی به چشم‌انداز کشاورزی مازندران داد. با ساخت سدها، آب‌های مهار نشدنی قرون متمادی مازندران و در نتیجه، امکانات آبی بیشتری در اختیارشان قرار می‌گرفت. ساخت پل‌ها نیز توانست تغییراتی را در چشم‌انداز کشاورزی مازندران ایجاد کند. چرا که با بهبود اوضاع راه‌ها، امکانات برای حمل ماشین آلات مدرن و فرآورده‌ها و محصولات نیز مهیا می‌شد. اراضی که به سبب نداشتن وسایل ارتباطی احتمال زیر کشت رفتشان کم بود، با ساخت این پل‌ها و امکان رفت و آمد به مناطق دوردست، می‌توانستند در اختیار کشاورزان قرار گیرند.

زمین‌های باز به منظور کشت محصولاتی مانند برنج، گندم و جو که در گذشته نیز در مازندران کشت می‌شد، تنها چشم‌انداز کشاورزی مازندران تا پیش از این دوره بود. دولت با زهکشی و خشکاندن باتلاق‌ها، زمین‌های جدیدی را به مجموع اراضی کشاورزی مازندران افزود. این اراضی نه تنها به کشت محصولات گذشته، بلکه برای کشت و پرورش محصولات جدید و در سطح گسترده اختصاص داده شدند. مرکبات که به سبب سود بالا و نقش مهم در صادرات، بسیار مورد توجه کشاورزان مازندران و دولت قرار گرفته بود، بخش زیادی از این اراضی را به خود اختصاص داد. اراضی پست و ناهموار مانند تپه‌ها که در طول قرون گذشته، بایر و بدون کشت بودند، در این دوره برای کشت محصولات تجاری جدیدی مانند چای به زیر کشت رفتند. محصولاتی مانند سبزیجات و حبوبات، کنجد، سویا، بهدانه، کرچک، کف و غیره که در راستای صنعتی سازی محصولات اراضی بسیاری برای کشت آن‌ها در نظر گرفته شده بود، هر کدام زمین‌هایی با شرایط ویژه به کشت خود را می‌طلبید. دولت در انجام این مهم نیز توانست تمهیداتی اندیشیده و کشت آن‌ها را با در اختیار قرار دادن اراضی بیشتر، سالانه افزایش دهد.

با اقدامات پهلوی اول، چشم‌اندازهای کشاورزی سه‌گانه‌ای در مازندران بوجود آمد. چشم‌اندازهای کشاورزی مازندران در دوره پهلوی را می‌توان به قالب‌های زمین باز، چشم‌انداز باغی و چشم‌انداز تپه‌ای یا زمین‌های ناهموار مرتفع تقسیم‌بندی کرد. در نواحی کوهپایه‌ای چشم‌انداز تپه‌ای یا زمین‌های ناهموار مرتفع به منظور کشت برخی محصولات مانند چای و غیره ایجاد شد. مردم نواحی کوهستانی مازندران در این دوره نیز به کشت گندم و جو اشتغال داشته و به سبب توجه بیشتر دولت، اراضی بیشتری برای کشت این محصولات اختصاص داده شدند. در نتیجه چشم‌انداز زمین باز در نواحی کوهستانی نیز از بُعد مساحت توسعه یافتند. با این همه بیشترین تغییر چشم‌انداز در ناحیه جلگه‌ای مازندران ایجاد شد؛ چرا که اغلب محصولات در این ناحیه قابلیت کشت داشتند. دولت نیز به سبب امکان دسترسی بهتر، تمرکز بیشتری در جلگه داشت. در نتیجه چشم‌اندازهای زمین باز در حد وسیعی گسترش یافت. چشم‌انداز باغی نیز با هدف کشت سبزیجات، حیوانات و مرکبات در این دوره بوجود آمد.

در دوره پهلوی اول با مجموعه اقدامات اصلاحی انجام شده در بخش کشاورزی، علاوه بر چشم‌انداز طبیعی، چشم‌انداز زیست و معیشت در مازندران نیز متحول شد. با اصلاح زیرساخت‌ها و توجه به بخش کشاورزی علاوه بر اشتغال در این بخش، مشاغل جدیدی در طی فرآیند تجاری‌سازی و صنعتی‌سازی محصولات کشاورزی ایجاد شد. ایجاد بازارهای واسطه‌ای، انتقال محصول کشاورزی مازندران به سایر نقاط کشور به‌ویژه پایتخت، اشتغال در بخش صنایع مانند نساجی قائمشهر، حریربافی چالوس، چیت‌سازی بهشهر، صنایع کوچک و بزرگ روغن‌گیری و غیره، توانست براساس اقتصاد درون‌زا و با تکیه بر توان محیطی نواحی جغرافیایی مازندران، شیوه‌های درآمدی و معیشتی را تغییر داده و زیست و معیشت مردم را متحول سازد. در این دوره علاوه بر اشتغال بومیان در شرایط زیستی جدید، نیروی کار مهاجر از خارج استان نیز برای اشتغال در بخش صنعت به مازندران مهاجرت می‌کردند. مساله‌ای که امروزه بدون در نظر گرفتن پتانسیل موجود در بخش کشاورزی مازندران و عدم حمایت و توجه کافی به آن، موجب مهاجرت مردم مازندران به شهرها و استان‌های دیگر شده است. علاوه بر این به سبب عدم حمایت کارشناسان از بخش کشاورزی، کشاورزان مجبور به فروش و یا تغییر کاربری اراضی کشاورزی شده‌اند؛ چراکه به زعم کشاورزان، کشاورزی سنتی امروزه توجه اقتصادی ندارد. در نتیجه با شناسایی پتانسیل‌های کشاورزی و اقتصادی موجود در جغرافیای نواحی سه‌گانه مازندران و ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز برای مکانیزه کردن بخش کشاورزی با تکیه بر اقتصاد درون‌زا می‌تواند بخش مهمی از مشکلات معیشتی، زیستی و زیست محیطی در این منطقه را کاهش دهد.

## References

- Anvari, B., & et al. (2004). *Sari: The old city of Mazandaran*. Tehran: Cheshmeh. (In Persian)
- Asgari, A. (1971). *Behshahr (Ashraf al-Balad)*. Unknown. (In Persian)
- Barrier, J. (1984). *Iranian Economy (1900- 1970)*. Tehran: Specialized Accounting and Audit Research Center: National Audit Office of the National Organization of the Organization. (In Persian)
- Blacckbourn, D. (2006). *The conquest of nature: water, landscape and the making of modern Germany*. Jonathan Cape. Edition by illustrated, Original from the University of Virginia.
- Ebrahimi, Y. (1976). *History of the Ramsar Agricultural Station Establishment and its Activities in Shahnsvara and its Agricultural Activities in the 50 Years of the Imamate Imam of Pahlavi*. With the efforts of Kazem, F. Collection and Reporting by Alizadeh, J. Tehran: Agricultural Office of Shahsavari County. (In Persian)
- Gholami, Sh. (2014). The world economy and industrialization system replaced imports in the Reza Shah era. *Historical Scientific Research*. 3(9), 85- 104. (In Persian)
- Hasanzadeh, F. (2012). *The evolution of the system of land ownership rights in Iran (from the Constitutional Revolution to the fall of Pahlavi I) 1906- 1941*. Tehran: (Published Master dissertation). University of Tehran. (In Persian)
- Khosravi, Kh. (1979). *Iranian Rural Sociology*. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Mahboobi Ardakani, H. (1989). *History of New Civilization Institutions in Iran*. With the efforts of Esfahanian, K and Qajarie, J. Volume III. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Mahjouri, E. (1967). *Mazandaran history*. Second volume. Sari: Bina. (In Persian)

- Marashi, M., & Vaghefi, H. (1974). *Cotton, Agriculture and Commerce*. Tehran: Bina. (In Persian)
- Mashayekhi, HA. (2001). *Take a full look at Tonekabon*. Tehran: Society for the National Heritage of Iran. (In Persian)
- Melgunov, GV. (1997). *South Coast of the Caspian Sea*. Translation by Amir Hushang Amini. Tehran: Ketabsera. (In Persian)
- Mir Heydar, H. (1976). *From thiol to agrarian revolution*. With Ismail Shahbazi, I. Tehran: Amirkabir. (In Persian)
- Mir Hossemi, SN. (1976). *History of Shahsavar Agricultural Administration in Shahsavar and its Activities in Shahnsvara and its Agricultural Activities in the 50 Years of the Imamate Imam of Pahlavi*. With the efforts of Kazem, F. Collection and Reporting by Alizadeh, J. Tehran: Agricultural Office of Shahsavar County. (In Persian)
- Nadi, Z. (2017). *Transformation of agricultural economy of Mazandaran in the first pahlavi period*. (Published doctoral dissertation). Imam Khomeini International University, Qazvin. (In Persian)
- Nafisi, S. (1966). *Iranian contemporary history: From 1921 Persian coup d'état to 11 September 1941*. Tehran: Froghi. (In Persian)
- Nami, ME. (1976). *Travelogue Estarabad, Mazandaran and Gilan*. Massoud Golzari. Tehran: Iranian Culture Foundation. (In Persian)
- Noori, N. (1994). *Economic geography*. Babolsar: Mazandaran University. (In Persian)
- Pahlavi, R. (Unknown). *Trips of Reza Shah Pahlavi to Khuzestan and Mazandaran*. Tehran: Kamal-e Andisheh. (In Persian)
- Rahmani, A. (1969). *Owning and exploiting land in Iran*. Tehran: Iran Printing and Publishing Company. (In Persian)
- Razi, E. (1999). *Research on the history and geography of Babol*. Babol: Andisheh Babol. (In Persian)
- Razmara, A. (Unknown). *Iranian military geography (Gilan and Mazandaran)*. Unknown. (In Persian)
- Renes, J. (ed.) (2010). Part II: European agricultural landscape history. In: G. Pungetti & A. Kruse (eds). *European culture expressed in agricultural landscapes: perspectives from the EucaL and Project*. Roma: Palombi Editori. 73-113.
- Sadeghi Sarhangi, M. (2012). *Political, social and economic situation of Mazandaran during the first Pahlavi period*. (Published Master dissertation). Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Sadeghi, Z. (2008). *Industrial policy in Reza Shah Era. 1925- 1941*. Tehran: Khojasteh. (In Persian)
- Sajjadi, MT. (1999). *Historical and Historical Geography of Ramsar*. Tehran: Moein. (In Persian)
- Saniee, T. (1976). *History of Khorramabad Citrus Research Center in Shahsavar and its Activities in Shahnsvara and its Agricultural Activities in the 50 Years of the Imamate Imam of Pahlavi*. With the efforts of Kazem, F. Collection and Reporting by Alizadeh, J. Tehran: Agricultural Office of Shahsavar County. (In Persian)
- Seyf, A. (2009). *Lost century: Iranian economy and society in the nineteenth century*. Tehran: Ney. (In Persian)
- Shayan, A. (1957). *Mazandaran: Historical and Economic Geography*. First volume. Second edition. Tehran: Bina. (In Persian)
- Shirinbakhsh, Z. (2010). Exports of tobacco in the first Pahlavi era. *Foreign Relations History Quarterly*. 45. 91-114
- Taheri, AGh. (1968). *Historical geography of Gilan, Mazandaran, Azerbaijan from the according to tourists*. Tehran: The Central Council of the Persian Empire. (In Persian)

**Newspapers**

Ettela'at, August 28, 1933.  
Ettela'at, September 21, 1936.  
Iran, August 20, 1929.  
Ettela'at, August 10, 1936.  
Ettela'at, August 17, 1930.  
Ettela'at, December 6, 1933.  
Ettela'at, July 15, 1930.  
Ettela'at, May 27, 1940.  
Ettela'at, May 5, 1937.  
Ettela'at, September 6, 1933.  
Ettela'at, May 4, 1937.  
Shafaghe sorkh, March 7, 1933.

**Archival documents**

Bank Melli Iran. December 21, 1938.  
Bank Melli Iran. February, 1938.  
Bank Melli Iran. September, 1938.  
Iran National Documentation Organization, n: 230-4111.  
Iran National Documentation Organization, n: 330000015.  
Iran National Documentation Organization, n: 240- 83398.

**How to cite this article:**

Divsalar, M., Rahnamaei, M.T., Husain Farajiha, M., & Mahmoodpour, M. (2020). Study of the Agricultural Landscape Evolution in Mazandaran Province n the First Pahlavi Era. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 15(2), 431-4418.

[http://ishsp.iaurasht.ac.ir/article\\_672816.html](http://ishsp.iaurasht.ac.ir/article_672816.html)



## Study of the Agricultural Landscape Evolution in Mazandaran Province in the First Pahlavi Era

**Mehrdad Divsalar \***

*Ph.D in History & Civilization Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran*

**Mohammad Taqi Rahnamaei**

*Associate Professor, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran*

**Mohammad Husain Farajiha**

*Assistant Professor, Dep. of History & Civilization Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran*

**Mohammad Mahmoodpour**

*Assistant Professor, Dep. of Geography, Encyclopedia of the Islamic World, Tehran, Iran*

**Received:** 30 June 2018

**Accepted:** 26 April 2019

### EXTENDED ABSTRACT

#### Introduction

Mazandaran, is part of a large area that was named by various names in different times. In the previous era, due to its special geographical situation and having marshes in the plains and densely populated forests in the foothills and mountains that were impassable, it was always a haven for the fighters and opponents of the central government. Due to the special climate situation, Mazandaran has triple geographic units that other parts of Iran do not have these situations. The habitats of the Mazandaran people from ancient times, due to the variety of climatic situation and natural geography, have been scattered in three geographic regions: Plain region, Foothill region, Mountainous region. The habitats that has become an important and historic city during the civilization of agriculture has created various economic, political and social evolutions. Lifestyle and livelihood in each of these units depended on their variables and characteristics. The abundance of blessings and wealth and specific climatic characteristics have created different and special historical situation in this region from other parts of Iran in the pre and post-Islamic period. Agriculture had the most important impact on the formation of Mazandaran social structure.

Agriculture in ancient times, medieval times and in the modern world, in traditional and mechanized formats, was always the main source of income for the people of Mazandaran and its agricultural products were traditionally cultivated. The Mazandaran's agricultural landscape was stagnant throughout centuries. But Reza Shah wanted the capital of Iran and other regions of Iran to benefit from the great blessings of Mazandaran. He made great efforts to convert traditional agriculture to mechanization and industrialization. It was also emphasized on agriculture-related industries. Following these doing, great changes was created in agricultural landscape and a variety of products. The present article investigated changes in agricultural land and new agricultural landscapes.

\*Corresponding author:

Email: m.divsalar@edu.ikiu.ac.ir

### Methodology

This article is based on the historical and descriptive terms of the human sciences. In this method, library information was obtained by referring to resources and compiled. Then the information obtained was analyzed based on the landscape model and qualitative method. Research, which is library and theoretic, and information is gathered through relevant measurement tools such as tables, cards and the like, is a type of qualitative research. In this type of research, documents can be uncovered by collecting, classifying, evaluating, comparing and analyzing them; Therefore, in qualitative research, information is evaluated and analyzed through deductive and inductive reasoning, allegory and simile, cognition, discriminating, differentiation, comparison, etc., all of which are supported by thinking, reasoning. In this research, based on the Landscape school, changes in the geography of Mazandaran during the first Pahlavi period are evaluated.

### Results and discussion

The Mazandaran agricultural landscape has changed due to the special attention of Reza Shah. Agriculture of Mazandaran was traditionally carried out until the time of Pahlavi first. As a result, limited cultivated land was available to Mazandaran farmers. In the first Pahlavi era, water and nature were conquered. The agricultural lands were expanded and the problems of farmers and agriculture were reduced with human domination over nature. With these actions, human settlements also changed. The people of each region were farming on their own land. Due to the historical conditions of that period, the largest agricultural changes were created in the plain area. The first Pahlavi dominated agricultural lands, creating typical farms and agricultural and horticultural stations in these lands. Products such as citrus, vegetables, legumes, sesame, soybeans, seeds, castor, hemp, rice, wheat, barley, tea and tobacco were among the most important crops in this period. Each of these products required a geographic location and special land. The government planned their farming. The arable land created some of them in the plains and some in the foothills. Although mountainous areas were considered as areas for the cultivation of wheat and barley, the area was less than other areas. As a result of this set of measures, significant changes were made in the agricultural lands of Mazandaran.

### Conclusion

The first Pahlavi changed nature in Mazandaran and caused a change in the landscape of Mazandaran. The first Pahlavi was changed the landscape of Mazandaran agriculture by mechanized agricultural production and commercialization and industrialization of agricultural products. During this period, by mastering the nature and conquering it, he added a lot of land to the total agricultural land of Mazandaran. Open field has increased to grow crops such as rice, wheat, barley. New Farmlands were created for citrus cultivation and for products such as vegetables, etc. Rough and uneven lands, such as hills, which during the past centuries were barren and without cultivation, were used to cultivate new commercial products such as tea during this period. As a result, most of the changes in Mazandaran agricultural land were created in the plains and foothills.

**Key words:** Mazandaran, First Pahlavi, Agricultural Landscape, Open field Landscape, Orchard Landscape, Hill Landscape